

نیروهای امنیتی و ضرورت آگاهی از حقوق بشر دوستانه بین‌المللی^۱

مقدمه

گزارش دفتر ملل متحد در افغانستان (یوناما) درباره تلفات ملکی در سال ۲۰۱۶ ارقام تکان‌دهنده‌ای را از یک سو و مخصوصاً فیصدی بالای تلفات زنان و اطفال را که در جریان و تداوم جنگ‌ها سهمی ندارند از طرفی دیگر نشان می‌دهد. احصائیه‌های دفتر یوناما ارائه می‌دارد که طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ تعداد ۲۴۸۴۱ تن کشته و تعداد ۴۵۳۴۷ تن زخمی شده‌اند که همه افراد ملکی و غیزنظامیان بوده‌اند. صرف در سال ۲۰۱۶ آمار تلفات ملکی ۳۴۹۸ تن کشته و ۷۹۲۰ تن زخمی ثبت شده است. به صورت اوسط این ارقام تلفات افراد ملکی را طوری نشان می‌دهد که در هر روز تعداد ۱۰ نفر کشته و ۲۲ نفر زخمی بوده و حداقل یک زن و سه طفل شامل کشته‌شدگان می‌باشند.^۲ این گزارش اذعان می‌دارد که ۶۱٪ تلفات ملکی توسط طالبان و نیروهای مخالف دولت و ۲۴٪ توسط نیروهای دولتی و حامیان ملی و بین‌المللی آن صورت گرفته است.^۳

سوالی که مدام به ذهن‌ها خطور می‌کند این است که چرا تلفات ملکی و مخصوصاً زنان و اطفال در جریان منازعات مسلحانه؟ آن‌ها که شامل نیروهای جنگی نیستند. طرف اصلی جنگ کیست؟ نظامیان یا افراد ملکی؟

برای دریافت پاسخ‌های مناسب لازم است که روی تاریخچه جنگ‌ها و ذهنیت‌ها و اسلوب جنگی، مکتبی صورت بگیرد؛ زیرا تاریخ زیست انسان بیشتر متأثر از وقوع و تداوم جنگ‌هاست تا تأمین و استمرار صلح.

چرا جنگ؟

بدون شک تاریخ بشر از یک سو مملو از جنگ‌ها، قتل و کشتارها، و خشونت، و از سوی دیگر نشان‌دهنده روحیه نوع‌دوستی و عدم توسل به جنگ و تساهل و تسامح بوده است. گذشته این دو رویکرد تاریخی به قدامت زندگی خود انسان‌هاست که به زمان قایل و هابیل برمی‌گردد. هابیل الگوی نوع دوستی و مهربانی و قایل سمبول شرارت و کینه‌ورزی بودند. یکی از محبت و اخلاص حرف می‌زد و آن دیگری از خشونت و قتل.^۴ درمی‌یابیم که زندگی آغازین اولاد آدم در این کره خاکی با اختلاف و منازعه همراه و توأم بوده است.

^۱ پوهنیار احمد فهیم حکیم

^۲ <https://unama.unmissions.org/unama-releases-civilian-casualty-data-third-quarter-2016>

^۳ خوشبختانه گزارش سه ماه اول سال ۲۰۱۷ ملل متحد در مورد تلفات ملکی نشان‌دهنده تدابیری لازم از تلفات ملکی توسط نیروهای ملی امنیتی کشور است. فیصدی تلفات ملکی توسط نیروهای ملی امنیتی در این زمان ۱۹٪ و فیصدی تلفات ملکی توسط طالبان ۶۲٪ است. این ارقام نشان به وضاحت نشان می‌دهد که نیروهای ملی امنیتی کشور با مسولیت بیشتر عملیات‌های نظامی را سازماندهی نموده‌اند تا آسیب و صدمه‌پذیری افراد ملکی کاهش یابد. درحالی‌که نیروهای مسلح مخالف دولت و طالبان با بی‌توجهی به زندگی افراد ملکی به حملات خود به ساحات رهایشی و غیرنظامی ادامه می‌دهند. مراجعه شود به اعلامیه مطبوعاتی دفتر یوناما در کابل، تاریخ ۲۵ اپریل ۲۰۱۷.

^۴ به آیات ۲۷ - ۳۲ سوره المائده، قرآن الکریم، مراجعه شود.

جنگ‌های قومی، مذهبی و کشورگشایی‌ها همه دربرگیرنده تاریخ انسان و ملل مختلف جهان بوده است.^۵ طی دوران‌های متنوع تاریخی هدف و مفهوم جنگ‌ها بیشتر روی پیروزی و فتح و نابودی دشمن تکیه داشته است. فتح جنگ در حقیقت افتخار بزرگ و تاریخی برای فاتحان و جنگجویان پنداشته می‌شد و حاکمیت این مفکوره سبب می‌شد تا صدمات و ویرانی‌های جنگ و فرصت‌های از دست رفته و تلفات انسانی جنگ‌ها تحت‌الشعاع دهل و سرنای فتح و پیروزی قرار گیرد و اکثراً نادیده گرفته شوند. جنگ به خاطر پیروزی و ضربه زدن به طرف مقابل و مغلوب و مقهور ساختن دشمن به هر قیمتی ممکن ذهنیت جنگی کشورگشایان و به زعمی فاتحان تاریخ را نشان می‌داد.

با وجود تداوم قساوت‌ها و ویرانی‌های گسترده ناشی از جنگ‌ها تلاش‌های انسانی در سطوح مختلف مبنی بر محدود ساختن صدمات و مصایب ناشی از جنگ‌ها ادامه داشته است. تبارز روحیه انسان‌دوستی و صلح‌خواهی افراد بشر دوست سبب شد تا راهکارها و چاره‌جویی‌هایی چون تعیین ساحات جنگی و صف‌آرایی‌های نظامی و نحوه استفاده از سلاح و تجهیزات جنگی و برخورد با افراد مجروح نظامی و اسیران جنگی، منعی اقدامات نخستین افراد خیرخواه و نوع‌دوست در راستای تحدید و به قاعده درآوردن و نظام‌مند ساختن امور جنگی زمینه‌ساز طرح‌های مقدماتی قانون و عرف جنگی گردند.

در اوایل عرف و تعامل دولت‌ها برین بود تا اختلافات و مخاصمات‌شان را از طریق زور و توسل به جنگ رفع کنند و از سویی دیگر وقوع جنگ‌ها قسماً برای بقا دولت‌ها یکی از ناگزیری‌های تاریخ پنداشته شده و «جنگ برای دولت واجد اهمیت حیاتی» بود، و به همین دلیل هم تاریخ گواه آن بوده است که «حکم و داور نهایی» در منازعات بین سلاطین و ملل «شمشیر» بوده است و «هر آنچه منافع حکومت‌ها و کشورها ایجاب کند» به زعم آنها عین عدالت تعبیر می‌شد.^۶ تداوم این روش سبب ویرانی‌های بیشمار و گسترده و تلفات انسانی و برده‌گیری‌ها و باج‌گیری‌های مکرر در تاریخ جوامع بشری گردیده است. با آن هم مفکوره اینکه «جنگ امری است فی‌مابین جنگجویان، پس باید افرادی که درگیر جنگ نیستند باید به هیچ‌وجه هدف ابتدایی حملات جنگی جنگجویان نباشند»^۷ این مهم نشان‌دهنده بعد انسان‌دوستانه فعالیت‌های رزمی می‌باشد که باید از طرف نیروهای متخاصم رعایت گردد. روی این اصل استراتژیست مشهور چینی، سان تزو، نیز تأکید می‌نماید که «جنگ مترادف با کشتار و ویرانگری نیست، هدف واقعی استراتژی [جنگی] این است که شهرها و لشکرها صحیح و سالم به تصرف درآیند و یا تا حد ممکن تصرف و تسخیر بدون ضایعه باشد»^۸. مفکوره سان تزو به یقین مبین قاعده و اصولی است که روی نحوه و استراتژی جنگی تأکید بیشتر دارد تا از یکسو فتح و کامیابی میسر شود و از طرفی دیگر ویرانی و تلفات انسانی جنگ‌ها اگر

^۵ از آغاز پیدایش دولت‌ها در حدود ۵۰۰۰ سال پیش، فعالیت‌های نظامی در بیشتر جوامع بشری به وقوع پیوسته است. ورود باروت و سرعت گرفتن روند توسعه فناوری‌های نظامی باعث ایجاد جنگاوری نوین شد. کانوی هندرسون در کتاب خود می‌نویسد: «یک منبع مدعی است که بین سال‌های ۳۵۰۰ پیش از میلاد تا اواخر سده ۲۰ میلادی حدوداً ۱۴۵۰۰ جنگ رخ داده و ۵/۳ میلیارد نفر بر اثر آن‌ها جان خود را از دست داده‌اند و فقط ۳۰۰ سال از تاریخ بشر در صلح به سر رفته است. لارنس کیلی، استاد دانشگاه ایلینوی در کتاب جنگ پیش از تمدن می‌نویسد در حدود ۹۰ تا ۹۵٪ جوامع شناخته‌شده در طول تاریخ درگیر جنگ‌های گاه و بیگاه بوده‌اند. و بسیاری دیگر به صورت دایم. (<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%86%DA%AF>)

^۶ هوگو گروسوس، حقوق جنگ و صلح (۱۳۹۳)، صفحه ۳۲.

^۷ نقل از Koina Nominan یک تن از دانشمندان یونانی قرن ششم قبل از میلاد.

^۸ سان تزو، هنر رزم (۱۳۶۴)، صفحه ۸-۹.

مطلقاً از بین برده نمی‌شوند به حداقل برسد. به بیان دیگر سان تزو تأکید می‌کرد که چگونه می‌توان توازن را بین خوب جنگیدن (برای پیروزی و فتح) و جنگیدن خوب (جلوگیری از تلفات انسانی و ویرانی‌های ناشی از جنگ) به صورت عملی در نظر گرفت.^۹

بشردر طول تاریخ شاهد فرود و فرازهای متنوعی در قاعده درآوردن جنگ‌ها از یک سو و اجتناب از قساوت و جلوگیری از ویرانگری‌ها در شهرها و تأسیسات ملکی بوده‌اند. ادیان و مذاهب مختلف برای ترویج فرهنگ عشق و محبت به انسان و تعمیم صلح و عدالت در جوامع بشری تأکید کرده‌اند.

دین مبین اسلام نیز اوامر و هدایات اکیدی را در قسمت جلوگیری از کشتار و صدمه رساندن به افرادی که درگیر منازعات نیستند ارشاد کرده است:

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»^{۱۰}

ترجمه: هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته، و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.

حدیث شریف نیز در حفاظت از افرادی که در منازعات سهمی ندارند تأکید می‌نماید و پیامبر اسلام^ص به نیروهایش در غزوات دستور می‌داد:

«(درجنگ) مکر و نیرنگ بکار نبرید و جسد دشمن رامثله نکنید و درختی را قطع نکنید مگر در مورد ضرورت و پیران و زنان و کودکان را به قتل نرسانید.»

با وجود تأکید آموزه‌های دینی و تأکید روی انسانی ساختن ابعاد جنگی، تلفات ملکی و ویرانی شهرها و تخریب تأسیسات غیرنظامی پیامدهای محسوس جنگ‌ها بین دولت‌های و امپراطوری‌های مختلف در طول ادوار تاریخی بوده است.

ضرورت و چگونگی تأسیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

مراقبت از مجروحان جنگی و بیماران یکی از دغدغه‌های اساسی مدرسانان و افراد بشردوست بوده که چگونه بتوانند طرفین درگیر جنگ‌ها و منازعات مسلحانه را وا دارند تا در این زمینه اقدامات بشردوستانه و جدی را در نظر داشته باشند، و از آزار و اذیت و کشتار چنین افرادی که دیگر در صف محاربه نیستند، جلوگیری کنند.

^۹ جلوگیری از قتل و ویرانی ناشی از حملات نظامی و جنگی ستون پایه‌های اساسی قواعد جنگی و بنیاد حقوق بشردوستانه بین‌المللی تلقی می‌گردد. این افکار نشان دهنده این واقعیت است که قانون جنگ و به قاعده درآوردن جنگ هم مانند جنگ و مخاصمات ریشه تاریخی و دیرینه در جوامع بشری دارند. بدین لحاظ شاید قضاوت درست نباشد که تدابیر و کنوانسیون‌های بین‌المللی را یگانه منابع و استناد حقوق بشردوستانه بین‌المللی دانست.

^{۱۰}سوره المائده، قرآن کریم.

این تلاش‌ها در مورد انسانی ساختن جنگ‌ها در اوایل نیمه دوم قرن ۱۹ بر اثر سعی و تلاش افراد بشردوست و خیرخواه به صورت نظام مند و تشدید یافته. طرح‌هایی منحصراً قواعد لازم‌الاجرا در جریان جنگ‌ها و عرف جنگ پیشکش شد تا حفاظت از جان اسرای جنگی و افراد ملکی و مجروحین جنگی، و به‌خصوص مسؤولیت آن‌عده افرادی را که ترک مخاصمات کرده‌اند، تضمین کند. تلاش‌ها برای «انسانی کردن جنگ» به مفهومی که از تأثیرات مخرب و زیان‌بار آن بکاهد، سبب شد قواعدی منحصراً حقوق جنگ به صورت تدریجی شکل گیرند. این قواعد که وظیفه انسانی کردن مخاصمات را به عهده دارد و روی نظم رهبری و هدایت منازعات مسلحانه تأکید می‌کند، اساساً عمده حقوق بشردوستانه را تشکیل می‌دهد.^{۱۱} منحصراً یکی از پیش‌کسوتان حقوق بشردوستانه بین‌المللی می‌توان از ژان ژاک روسو نام برد که در کتاب مشهور خود «قرارداد اجتماعی» با تأیید حفظ جان زخمیان و اسرای جنگی از یک سو و ختم روحیه دشمنی و کینه‌ورزی‌ها از سوی دیگر تأکید کرده است. موصوف اذعان می‌دارد: «ایجاد جنگ در نتیجه روابط انسان‌ها نبوده بلکه تضاد منافع یک دولت با دولت دیگر آن را به وجود می‌آورد و در این جنگ‌ها تمام سربازان به طور اتفاقی با هم دشمن شده‌اند.»^{۱۲} با ترک جنگ و مخاصمات بین دولت‌ها باید این «دشمنی‌ها نیز پایان یابند». بر این اساس با ختم جنگ تفکر جنگی و کینه‌ورزی و انتقام‌جویی‌ها دیگر جایی ندارند که ادامه یابند، و به هیچ‌وجه مجاز نیست که «حیات کسی را که دیگر در جنگ نقش فعال ندارد، صدمه زد و گرفت»^{۱۳}.

مشاهدات و نشر خاطرات یک تاجر انسان‌دوست سویسی به نام هنری دونان (دونانت) از وضعیت نهایت اسف‌بار و وخیم زخمیان جنگ در میدان سلفرینو که در سال ۱۸۵۹ میلادی واقع شد، زمینه‌ساز تأسیس یک نهاد خیریه بی‌طرف به نام «صلیب سرخ جهانی» در سال ۱۸۶۳ شد که صرف برای تداوی و درمان زخمیان جنگ بدون در نظر داشت تعلقات‌شان فعالیت می‌کند. پیامد تأسیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تصویب اولین کنوانسیون ژنیو در سال ۱۸۶۴ بود که بر مسؤولیت کارمندان طبی و مددکاران که برای نجات زخمیان جنگ تلاش می‌کردند از یک سو، و حفاظت زخمیان و مجروحین جنگ از سوی دیگر تأکید داشت.

فعالیت‌ها و طرح‌های متمم دیگر نیز زمینه‌ساز گسترش روحیه جلوگیری از صدمات انسانی و عواقب غیرمترقبه جنگ‌ها شد که اساس محکمی برای تکامل قانون بشردوستانه بین‌المللی پنداشته می‌شوند. طور مثال اعلامیه سنت پترزبرگ درباره منع استفاده از گلوله‌های انفجاری و آتشزا در سال ۱۸۶۸، اعلامیه لاهه (هاگ) درباره عرف و قانون جنگ‌های زمینی در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، پروتکل ژنیو درباره منع استفاده از گازهای سمی و زهرپاشی و سلاح‌های کشنده کمیای در سال ۱۹۲۵، و امضای قرارداد بین‌المللی مربوط به طرز رفتار با اسیران جنگی در سال ۱۹۲۹ از جمله اقداماتی بودند که همزمان هم در راستای محدود ساختن فعالیت‌های نظامی و جنگی عملی

^{۱۱} دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی (۱۳۹۴)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه (چاپ سوم)، تهران: کتابخانه گنج دانش.

^{۱۳} ژان ژاک روسو، متفکر سویسی و مؤلف کتاب «قرارداد اجتماعی» و «امیل» (۱۷۱۲-۱۷۷۸).

گردند و هم منعیث تدابیر وقایوی و جلوگیرنده از مصایب و ویرانی‌های جنگ و تلفات انسانی و مراقبت از زخمیان و اسیران جنگی در نظر گرفته شوند.^{۱۴}

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنیو

با وجود این همه اعلامیه‌ها و ضوابط پیشنهادی، جنگ دوم جهانی تلفات انسانی و خسارات و ویرانی‌های ناگفتنی‌ای را به بار آورد که یادآوری آن وجدان افراد با احساس جوامع بشری را بیدار ساخته و ترس و دلهره از وقوع دوباره چنین حوادث دلخراش و فجیع، کشورها و نهادهای بین‌المللی را واداشت تا در راستای راهکارها و تدابیری وقایوی مؤثر تلاش‌های خود را بیشتر متمرکز سازند.

ثمره و دستاورد این تلاش‌ها طرح و تصویب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنیو در سال ۱۹۴۹ بود که توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ترتیب شده بودند. نمایندگان شصت و سه کشور طی یک کنفرانس چهارماهه چهار قرارداد بین‌المللی ذیل را تدوین و امضا نمودند:^{۱۵}

- 1- کنوانسیون بین‌المللی ژنیو درباره بهبود وضع مجروحان و مریضان قوای مسلح در میدان جنگ مورخ ۱۲ اگست ۱۹۴۹،
- 2- تدوین و کنوانسیون بین‌المللی ژنیو درباره بهبود وضع مجروحان، مریضان، غریقان و کشتی‌شکستگان قوای مسلح در بحر، مورخ ۱۲ اگست ۱۹۴۹،
- 3- کنوانسیون بین‌المللی ژنیو درباره طرز رفتار با اسیران جنگی، مورخ ۱۲ اگست ۱۹۴۹،
- 4- کنوانسیون بین‌المللی ژنیو درباره حمایت از مردم ملکی در زمان جنگ، مورخ ۱۲ اگست ۱۹۴۹.

بعد از جنگ دوم جهانی ماهیت جنگ‌های متعارف دستخوش تغییر گردید. بروز جنبش‌های آزادی‌بخش علیه نیروهای استعماری و رژیم‌های دیکتاتور و شورشگری‌ها نه تنها جغرافیای جنگی را تغییر دادند، بلکه نحوه و شیوه جنگیدن را از شکل معمول و جبهه‌ای آن به جنگ‌های چریکی و پارتیزانی تغییر داد. حالا شهرها و ساحات رهاشی و غیرنظامی خطوط مقدماتی چنین جنگ‌ها و نبردهای مسلحانه شده‌اند که سبب ازدیاد تلفات ملکی افرادی می‌شوند که در جنگ‌ها میان گروه‌های جنگی و متخاصم شامل نیستند. از همه تکان‌دهنده‌تر این که بیشترین تلفات و صدمات را زنان و اطفال متحمل می‌شوند.

این تغییرات ماهوی در نحوه و پیشبرد جنگ‌های امروزی سبب شد که تلاش‌های بیشتر در راستای جلوگیری از وقوع جنگ‌ها از یک سو و حل اختلاف‌های بین‌المللی از طرق سیاسی و مذاکره مقید و قاعده‌مند شوند (Jus ad bellum) و احیاناً در صورت بروز جنگ‌ها محدودیت‌ها و تدابیر عینی اعمال گردند (Jus in bello).^{۱۶} با توجه به ازدیاد تلفات ملکی و پاسخ‌گویی میکانیزم‌های بین‌المللی و

^{۱۴} کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، قرارداد‌های بین‌المللی ژنیو مورخ ۱۲ اگست ۱۹۴۹ میلادی، صفحه ۳.

^{۱۵} افغانستان، خوشبختانه، یکی از کشورهایی بود که در جلسه اختتامیه سند نهایی کنفرانس بین‌المللی ژنیو را امضا کرد.

^{۱۶} داداکتر حسین شریفی طراز کوهی، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی (۱۳۹۰).

دریافت راهکارهای عملی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنیو در شرایط امروزی پروتکل‌های ضمیمه کنوانسیون‌ها در سال ۱۹۷۷ تصویب شد:

- 1- پروتکل ضمیمه ۱ سال ۱۹۷۷: حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه بین‌المللی،
- 2- پروتکل ضمیمه ۲ سال ۱۹۷۷: حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه غیربین‌المللی (جنگ‌های داخلی).

حالات تطبیقی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنیو و پروتکل‌های ضمیمه ۱ و ۲

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنیو منازعات مسلحانه و جنگ‌ها را شامل دو کتگوری بین‌المللی و غیر بین‌المللی مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهد. موارد تطبیقی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنیو نظر به ماهیت منازعات فرق می‌کنند.^{۱۷} در منازعات مسلحانه بین‌المللی (جنگ بین کشورها) تمام کنوانسیون‌های ژنیو و پروتکل ضمیمه ۱ سال ۱۹۷۷ قابلیت تطبیق و اجرایی داشته و در حالات منازعات مسلحانه غیربین‌المللی یا جنگ‌های داخلی ماده ۳ مشترک و پروتکل ضمیمه ۲ سال ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های ژنیو قابل اجرا و تطبیق‌اند.

ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنیو در جریان درگیری‌های مسلحانه که جنبه بین‌المللی نداشته باشد، از طرف‌های متخاصم درگیر می‌خواهد که حداقل مقررات زیر را رعایت کنند:^{۱۸}

۱- با کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند، هم‌چنین افراد نیروهای مسلحی که سلاح بر زمین می‌گذارند و با کسانی که به دلیل مریضی، جراحت، بازداشت و هر علت دیگری قادر به ادامه جنگ نیستند، در هر شرایط رفتار انسانی، بدون هرگونه تبعیض ناشی از نژاد، رنگ، مذهب یا عقیده، جنس، اصل و نسب، ثروت یا سایر ضوابط مشابه آن داشته باشند. بدین خاطر اعمال زیرهمیشه و تحت هر شرایطی با افراد فوق ممنوع است و ممنوع خواهد ماند:

الف: بر جسم و جان‌شان صدمه وارد کردن، به‌خصوص کشتن، به هر شیوه‌یی که باشد، قطع عضو کردن، رفتار بی‌رحمانه داشتن و شکنجه و عذاب دادن.

ب: گروگان‌گیری.

ج: هتک حرمت اشخاص، خصوصاً رفتار و برخورد تحقیرآمیز و خوارکننده داشتن.

^{۱۷} مطابق به کنوانسیون‌های ژنیو تمام انواع منازعات مسلحانه در این دو کتگوری شامل‌اند که جنگ‌های داخلی با ابعاد خارجی و بین‌المللی آن و چه جنگ‌های داخلی با پشتیبانی نیروهای حامی منطوقی و بین‌المللی از یک حکومت مشروع.

^{۱۸} از آن جهت ماده ۳ مشترک یاد می‌شود که در هر چهار کنوانسیون ژنیو این ماده به عین عبارت ذکر شده است.

۵: صدور حکم حبس یا اعدام اشخاص، بی آن که حکم آن را محکمه ذی صلاحی صادر کرده باشد، چنین محکمه
یی باید از کلیه تضمین‌های قضایی که از نظر دنیای متمدن واجب است برخوردار باشد.

۲- مجروحان و مریضان جمع آوری و تداوی می‌شوند.

یک سازمان بشردوست بیطرف، مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌تواند خدمات خود را به طرف‌های متخاصم عرضه دارد.

حقوق بشردوستانه بین‌المللی و اصول اساسی آن

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنیو و پروتکل‌های الحاقی اول و دوم آن پایه‌های اساسی و اصول کلی حقوق بشردوستانه بین‌المللی را که
بعضاً به نام قانون جنگ (Jus in bello) نیز یاد شده است تشکیل می‌دهد که با تأکید بر اصول بشردوستانه طرح و تصویب شده
تا اثرات مخرب جنگ‌ها و منازعات مسلحانه را محدود بسازد.

حقوق بشردوستانه بین‌المللی از یکسو در قسمت محافظت و حمایت از افراد ملکی و غیرنظامی (افرادی که دیگر در محاربه سهمی
ندارند) تأکید کرده و از سوی دیگر بر نحوه و به قاعده در آوردن جنگ و ضوابط جنگی تأکید می‌کند.^{۱۹}

حقوق بشردوستانه بین‌المللی عبارت از مجموعه قواعد انسان‌دوستانه‌ای است که تلاش دارد که مصایب و آلام جنگ محدود شود و
تلفات انسانی به حداقل آن تقلیل یابد. به تعبیر دیگر حقوق بشردوستانه بین‌المللی عبارت از حقوق انسانی در زمان جنگ است که بر
اصول: ۱- تفکیک؛ ۲- تناسب؛ ۳- وقایه و پیشگیری، و؛ ۴- برخورد انسانی استوار است.

اصل تفکیک تأکید بر تفکیک افراد ملکی و غیرنظامی از یکسو و تشخیص اهداف و تأسیسات ملکی و نظامی از سوی دیگر دارد. اصل
تناسب بیشتر بر میزان دستاوردهای نظامی و فیصدی صدمه و تلفات جانبی فعالیت‌های محاربه‌ی تأکید می‌کند، در حالی که اصل وقایه
و پیشگیری بر اقدامات آگاهی‌دهی افراد ملکی و اخطاربه از انجام فعالیت‌های محاربه‌ی استوار است که پیامدهای ناگوار جنگ و تلفات
افرادی را که در منازعات مسلحانه نقشی ندارند به حداقل برساند، و با زخمیان، بیماران، اسیران، تسلیم‌شدگان و افراد غیرنظامی و ملکی
حمایت شده و با آن‌ها برخورد انسانی فارغ از هرگونه تبعیض صورت گیرد.

پیامد نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی و میکانیزم‌های رسیدگی به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت

جنایات هولناک و ویرانی‌های گسترده جنگ جهانی دوم سبب شد که جامعه جهانی غرض اطمینان از عدم وقوع دوباره چنین وقایع شنیع
و ضد بشری، میکانیزم‌ها و تدابیر عملی را رویدست گیرد تا رسیدگی به جنایات سازمان‌یافته نظیر «جنایات علیه بشریت»، «جنایات جنگی»،

^{۱۹} بعد بشردوستانه قانون جنگ روی محافظت افراد ملکی، افراد زخمی و بیمار نیروی‌های متخاصم که در محاربه سهم ندارند، و سربازانی که تسلیم شده و اسیران
جنگی و بازداشت‌شدگان (در منازعات مسلحانه داخلی) تأکید می‌کند و ضوابط جنگی را از طریق انتخاب سلاح، نحوه پیشبرد جنگ، تعیین اهداف نظامی، و
اقدامات پیشگیرانه توصیه می‌کند.

و «نسل کشی» انتباهی باشد برای مرتکبان و مجرمان جنگی که آن‌ها به عدالت کشانده می‌شوند و هیچ‌گاه از معافیت و بازپرس قانونی بهره نخواهند برد. تأسیس محکمه نورنبرگ بعد از ختم جنگ دوم جهانی در حقیقت سنگ بنای محاکمه جنایتکاران جنگی رژیم نازی آلمان بود که در شهر نورنبرگ آلمان برگزار شد. محکمه نورنبرگ در عین زمان تأکید کرد که محاکمه و مجازات اعمالی که در زمره جنایت علیه بشریت قرار می‌گیرد، شامل قاعده مرور زمان نمی‌شود.^{۲۰}

بربنیاد ماده ۶ اساسنامه دادگاه نورنبرگ و ماده ۷ اساسنامه محکمه بین‌المللی جزایی «جنایات علیه بشریت» را به اعمالی اطلاق می‌کند که «آن اعمال آگاهانه و به قصد تجاوز گسترده و سیستماتیک علیه شهروندان مملکتی صورت گیرد. برای مثال قتل، قلع و قمع، برده‌سازی، جابه‌جایی، اخراج و تبعید افراد، زندانی کردن‌ها، شکنجه، تجاوز جنسی، بردگی جنسی، اجبار به تن‌فروشی، حامله‌گی اجباری، اجبار به نازایی، خشونت و آزار علیه هر گروه هویت دار و جمعیت سیاسی و نژادی، ملی، فرهنگی، مذهبی، آدم‌ربایی و نژادپرستی»، تمام جرایمی اند که در زمره جنایات علیه بشریت محسوب می‌شوند. جنایات علیه بشریت احتمالاً در هر زمانی می‌تواند به وقوع بپیوندد، چه زمان صلح باشد و چه زمان جنگ.^{۲۱} در حالی که جنایات جنگی صرف در زمان جنگ رخ می‌دهد. گستردگی و سیستماتیک بودن این اعمال، چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح، یک بعد قابل توجه و دقت آن‌هاست که می‌تواند پیگردهای قانونی را از طریق نهادهای ملی و بین‌المللی در پی داشته باشد.^{۲۲} یک بعد دیگر جنایات جنگی شامل حملات عمدی علیه کارکنان، تأسیسات، ابزار، واحدها یا وسایط و وسایلی است که در خدمت بشردوستانه یا هیئت‌های حافظ صلح مطابق با منشور ملل متحد مشغول‌اند، می‌باشد. نهادهای مدرسان و نیروهای حافظ صلح در همه حالات باید از حملات و فعالیت‌های نظامی نیروهای درگیر منازعات مسلحانه مصون باشند.^{۲۳}

به عبارت دیگر نقض سیستماتیک حقوق بشردوستانه بین‌المللی «جنایات علیه بشریت» و «جنایات جنگی» را سبب شده و مطابق به ماده ۸۶ اساسنامه محکمه بین‌المللی جنایی رم، کشورهای عضو مکلف‌اند که در انجام تحقیقات و تعقیب جزایی اعمالی که شامل کتگوری های جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت می‌گردند با این محکمه همکاری همه‌جانبه کنند.^{۲۴}

^{۲۰} محکمه نورنبرگ در ماه نومبر ۱۹۴۵ برگزار شد و مدت ۹ ماه دوام یافت.

^{۲۱} مراجعه شود به متن کامل اساسنامه محکمه بین‌المللی جنایی/جزایی رم.

^{۲۲} جنایات علیه بشریت می‌تواند که هم در قلمرو یک کشور یا قلمرو در مقابل اتباع خود کشور (زمان صلح) و ساحات اشغال‌شده توسط آن کشور به وقوع بپیوندد (زمان جنگ)، در حالی که جنایات جنگی علیه اتباع کشورهایی که تحت اشغال (سرزمین‌های اشغالی) قرار گرفته‌اند و اسیران جنگی نیروهای متخاصم (در قلمرو خود کشورها در صورتی که اسیران در آن ساحات نگهداری شوند) صورت می‌گیرد.

^{۲۳} ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو.

^{۲۴} در صورتیکه دولت‌ها بنا بر ناتوانی‌ها و ضعف حاکمیت قانون و نبود اراده سیاسی توانمندی رسیدگی به همچو قضایا را ندارند، می‌کانبیم‌های بین‌المللی نظیر محکمه بین‌المللی جنایی می‌تواند یک ابزار موثر برای حمایت قربانیان جنگ و به عدالت کشاندن مجرمین جنگی و مرتکبین جنایات علیه بشریت بوده می‌تواند.

حاصل بحث

افغانستان کشوری در حال جنگ است. در این جنگ نیروهای امنیتی و دفاعی کشور با گروه‌های مسلح غیرمسئول و گروه‌های تروریستی داخلی و خارجی در حال نبرداند. از سویی دیگر نیروها و ارگان‌های امنیتی در حقیقت چهره و اعتبار دولت و نظام نزد مردم‌اند، زیرا آن‌ها مسئولیت تأمین امنیت و مصوونیت افراد و نظام را به عهده دارند. هراقدام و عمل آن‌ها یا سبب اطمینان و اعتماد مردم شده یا باعث بی‌اعتمادی و دوری مردم از نظام و دولت می‌گردد. مخصوصاً در کشورهای در حال جنگ نیروهای مسلح مخالف نیز از هیچ‌گونه تلاشی دریغ نمی‌کنند که بین مردم و دولت اختلاف و بی‌اعتمادی ایجاد کنند، تا مردم از نظام و نیروهای امنیتی حمایت و پشتیبانی نکنند.

بنابراین طرح و سازماندهی فعالیت‌ها عملیات نظامی در چنین شرایطی ایجاب می‌کند که نیروهای امنیتی در راستای دسترسی به اهداف نظامی و تضعیف دشمن و نیروهای مخالف از یک سو، ایجاد اعتماد و اطمینان مردم مبنی بر حمایت نیروهای امنیتی از افراد و تأسیسات ملکی و اقدامات پیشگیرانه از بروز تلفات ملکی از سویی دیگر باید اهم تلاش و انرژی خود را مبدول دارند. بدون شک این مأمول بدون آگاهی از قواعد و قانون جنگ و رعایت قانون بشردوستانه بین‌المللی میسر نخواهد شد.

پس از این رو بر نیروهای امنیتی لازم است که فعالیت و عملیات نظامی‌شان را طوری در مقابل نیروهای مسلح مخالف دولت (شامل گروه‌های تروریستی، دهشت‌افکن و اجیران جنگی) به پیش ببرند که نشان‌دهنده نظم و انضباط مسلکی اردو و پولیس ملی و استخبارات مدرن با روحیه بشردوستانه و آگاهی کامل از قواعد جنگ می‌باشد؛ طوری که در سطح ملی و بین‌المللی توقع برده می‌شود.

نادیده گرفتن قانون بشردوستانه بین‌المللی و ناآگاهی از آن عواقب و پیامدهای سنگینی خصوصاً برای نیروهای امنیتی و درکل برای نظام و دولت در پی دارد. آگاهی و رعایت قانون بشردوستانه بین‌المللی توسط دولت و نیروهای امنیتی کشور در نهایت سبب خواهد شد که مردم به این درک برسند که این نیروها از خودشان بوده که برای رفاه و آرامی شباروزی‌شان صادقانه تلاش می‌کنند و در مقابل دشمنان مردم و وطن شجاعانه و آگاهانه می‌رزمند.

بدون شک تعامل و برخورد انسانی و مواظبت سالم از افراد ملکی (بدون هیچ‌گونه تبعیض) در هر حال، و به‌ویژه در جریان فعالیت‌های نظامی و جنگی توسط نیروهای ملی امنیتی کشور در حمایت مردم از نیروهای امنیتی‌شان از یک سو، و تقویت روحیه اعتماد و باورمندی‌شان به حکومت و نظام‌شان از سویی دیگر، نقش به‌سزایی دارند